

## تحلیل و نقد سلوک عرفانی و رهایی انسان منهای خدا در آیین جینه

محمد مهدی علیمردی / دانشیار دانشکده عرفان دانشگاه ادیان و مذاهب

alim@urd.ac.ir

 [orcid.org/0009-0007-9540-3222](https://orcid.org/0009-0007-9540-3222)

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴

### چکیده

یکی از آموزه‌های مشترک آیین جینه با دیگر ادیان هندی، باور به رنج‌بار (دوکْهه) بودن زندگی دنیوی و قاعده عمل و عکس‌العمل (کرمه) و همچنین گردونه زاد و مرگ‌های پیاپی (سَمساره) است؛ ولی آیین جینه برخلاف بیشتر ادیان هندی، انسان را در این گردونه رنج‌بار، تنها و محروم از یاور و مددکاری آسمانی می‌داند که بتواند با استمداد از او به مقام رهایی نائل آید. این انسان برای رسیدن به مقام رهایی (مُکشه)، کاملاً تنهاست و باید به توانایی‌های خود متکی باشد. براساس آموزه‌های این آیین، فرد سالک تنها با کمک دو اصل «ریاضت‌های سخت جسمانی» (تَپَس) و «رعایت اصل عدم خشونت» (اهیمسا) می‌تواند اثرات کرمه بر روح (جی‌وه) خود را نابود کند و کمالات ذاتی روح را که از ازل در آن نهفته بوده است، آشکار سازد. اکنون چگونگی این سلوک به شیوه توصیف و تحلیل در راستای دانش‌افزایی دین‌پژوهان در این عرصه ارائه خواهد شد و به‌اجمال براساس سلوک عرفانی مطرح در آیین جینه می‌توان گفت که سالک در تلاش است تا روح خود را با طی چهارده مرحله رشد معنوی از تأثیرات منفی آثار کردار گذشته رهایی بخشد و به جایگاه رهایی نهایی (کولین) دست یابد.

کلیدواژه‌ها: جینه، جی‌وه، آجی‌وه، تَپَس، اهیمسا، کولین.

آیین جینه (Jaina) یکی از قدیمی‌ترین ادیان سرزمین هند است. تأسیس این آیین دقیقاً مشخص نیست، اما تقریباً آن را متعلق به قرن شش قبل از میلاد می‌دانند که هم‌زمان با آیین بودا در هندوستان ظهور کرده است. مسئله مهمی که آیین جینه را از آیین هندو متمایز ساخته، مخالفت با نظام طبقاتی و تأکید بر رهایی و نجات از طریق ریاضت و رعایت اهیمنسا (ahimsā) یا عدم آزار است و همین امر نوعی سلوک را برای این آیین هموار ساخته است. بدین‌سان، فردی که به‌عنوان سالک عرفانی در این راه قدم می‌گذارد، درواقع تصمیم گرفته است که در درجه نخست هرگونه مرز و حد را از خود بردارد و خودی در کار نباشد؛ به‌عبارتی خود را ناپدید کند. در ادیان شرقی بسیار بر این موضوع تأکید شده است که اگر سالک خود را ناپدید کرد، در آن صورت است که درمی‌یابد تمام آنچه هست، جزئی از اوست.

یکی از دغدغه‌های انسان عارف نحوه سلوکی است که در این جهان به‌عنوان زاد و توشه مناسب در غالب اعمال و آداب انجام می‌دهد. این سلوک عرفانی با نوعی مجاهده و ریاضت همراه است تا سالک را به مقصد و مقصود نهایی برساند. بدیهی است که این سلوک در طول زندگی سالک تجربه‌های عرفانی را به‌همراه دارد که مایه معرفت درونی فرد می‌شود و به‌صورت یک معنویت جلوه‌گری می‌کند.

حال این سؤال درباره آیین جینه مطرح است که مقصد نهایی سلوک عرفانی‌ای که در رأس آن خداپاوری وجود ندارد، کجاست؟ چنین عرفانی در آیین جینه چه فایده‌ای برای آن سالک دارد و چه دردی از او درمان می‌کند؟ تهذیب نفس یک سلامت معنوی را به‌دنبال دارد و سالک در هر مرتبه از راه به مقامی می‌رسد؛ در عرفان‌های خدامحور اتصال به محبوب و فنا در آن، مقصد نهایی است، اما در آیین جینه مقصد خدا نیست؛ پس چه چیزی سبب می‌شود که سالک این‌همه رنج طریق و سلوک را با آن‌همه ریاضت‌های سخت و سنگین طی کند؟ در برخی از ادیان شرقی مقصد سالک مبتنی بر امور معرفت‌شناختی است و در برخی دیگر بر امور وجودشناختی تأکید می‌شود. در آیین جینه، هرچند به امر معرفت‌شناختی توجه شده است، اما چون سالک باید به مسئله کرمه توجه کند، اساس مبانی سلوک عرفانی در این آیین مبتنی بر امور وجودشناختی است. پیش از ورود به بحث، باید برخی مفاهیم اساسی در آیین جینه را متذکر شد. به‌طور کلی، یک سالک در آیین جینه با مفاهیمی اساسی چون کرمه، سَمساره، اهیمنسا، جی‌وه، اجی‌وه و مکشه مواجه است.

**کرمه:** آیین جینه همچون دیگر ادیان هند، به قانون فراگیر عمل و عکس‌العمل (کرمه) باور دارد. با توجه به این قانون، هر رفتار، فکر، کلمه یا کردار، محصول رفتار آدمی است. واژه «کرمه» از ریشه سَنسکریت به‌معنای عمل کردن و ساختن، انجام دادن و به‌وقوع پیوستن است (ماهونی، ۱۹۸۷، ص ۲۶۱). معنای عام کرمه شامل همه اعمال مادی و فیزیکی است که در طول شبانه‌روز انجام می‌دهیم؛ و معنای خاص آن، آداب و شعائر خاص دینی است؛ نظیر قربانی، خوردنی‌های آیینی، نیایش و دیگر مراسم دینی، همچون مرده‌سوزی، زیارت، غسل و مانند اینها. در

آیین جینه جنبه عام کرمه اهمیت بیشتری دارد که با اصل عدم خشونت یا آهیمنسا مرتبط است و حتی آن جنبه‌های خاص کرمه که ناقض آهیمنساست، مانند قربانی (یجنه Yajña)، که در آیین هندو صورت می‌گیرد، به شدت مورد تقبیح و رد و انکار واقع می‌شود (جونز، ۲۰۰۵، ص ۸). انواع و تقسیمات آن در ذیل بحث خواهد آمد.

**سَمَساره:** در متون جینه‌ای و هندوی برای آموزه انتقال روح از یک کالبد به کالبد دیگر و چرخه مرگ و زندگی دوباره یا تناسخ ارواح، از اصطلاح «سَمَساره» (Samsāra) استفاده می‌شود. سَمَساره از ریشه سَنَسکریت «سار» است که به معنای مختلف جاری شدن، لبریز شدن، دویدن به سرعت یا سر خوردن است. این ریشه فعلی با پیشوند «سم»، که به معنای «با» و «هم» است، واژه «سَمَساره» را تشکیل می‌دهد که در اصطلاح به معنای جاری شدن با هم یا با هم رفتن است (هرمن، ۲۰۰۰، ص ۱۴۶-۱۴۷).

**آهیمنسا:** این واژه در زبان سَنَسکریت به معنای عدم خشونت است و اصلی‌ترین آموزه اخلاقی در آیین جینه به شمار می‌آید. بنا بر این اصل، آسیب رساندن به دیگر موجودات باعث به وجود آمدن تأثیر کردار در زندگی بعد می‌شود و در نتیجه انسان در گردونه تولدهای پی‌درپی در دنیا (سَمَساره) و رنج ناشی از آن گرفتار خواهد شد.

**جی‌وه:** از ریشه «جی‌و» (Jiv) به معنای روحی است که در بدن زندگی می‌کند و فناپذیر است و جسم را دربر گرفته و به «روح فردی» معنا می‌شود. او مسئول رنج و لذتی است که از کرمه ناشی می‌شود. یکی از آموزه‌های بنیادین جهان‌شناسی جینه، نوعی نگاه ثنوی و دوگانه‌انگارانه به جهان هستی است. براساس این آموزه، تمام هستی به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: «جی‌وه» به معنای عناصر جان‌دار و دارای روح؛ و «اجی‌وه» به معنای عناصر بی‌جان و بدون روح. جی‌وه‌ها عناصری زنده و غیرقابل شمارش‌اند که ازلی و ابدی‌اند و در ذات و ماهیت خود دارای دانش مطلق، نیروی بی‌پایان و سعادت کامل‌اند. تمامی جی‌وه‌ها در این کمالات ذاتی کاملاً یکسان‌اند؛ ولی با توجه به میزان اثراتی که از عنصر دوم مخالف خود، یعنی اجی‌وه یا عناصر بی‌جان و مادی، می‌پذیرند، بروز و نمود بیرونی ویژگی‌های ذاتی‌شان متفاوت خواهد بود (زیمر، ۱۹۵۳، ص ۲۷۰).

**تپس:** تپس یا تپ به معنای خودسازی است که از راه ریاضت‌های سخت جسمانی به منظور پاک کردن آثار کردار گذشته (کرمه) از روح (جی‌وه) انجام می‌شود. هرچند معنای کامل تپس راه، که همان چشم‌پوشی کامل از تمام امیال جسمانی است، تنها مرتاضان انجام می‌دهند، اما مردم عادی جینه نیز به صورت محدودتر به تپس می‌پردازند. برای این دسته از جینه‌ها، تپس شامل انواع مختلف روزه‌داری، پرهیز از خوردن و آشامیدن، یا محدود کردن خوراک است (وایلی، ۲۰۰۹، ص ۲۱۰).

## ۱. تمثیل رفتار سالک در رنج سَمَساره

براساس آموزه‌های جینه، جی‌وه در ذات خویش اجی‌وه را به خود جذب نمی‌کند؛ ولی بر اثر همراهی جی‌وه با اجی‌وه، ذرات مادی کرمه بر جی‌وه اثر می‌کند و بر آن می‌چسبد (چنان که گرد و غبار بر جسم روغن مالی شده می‌چسبد) یا بر آن اثر می‌گذارد (چنان که گرما آهن را سرخ می‌کند)؛ در نتیجه، جی‌وه از کمالات ذاتی خود دور

می‌شود و در گردونهٔ سَمَساره گرفتار می‌آید. در اصطلاح جَبَّنه، تناسخ و باززاده شدن در جسم جدید را «اَوَوَایَه» (Uvavāya) می‌گویند (زیمر، ۱۹۵۳، ص ۲۷۱).

ممکن است که ارواح متعددی در یک جایگاه هم‌زمان تناسخ یابند؛ برای مثال، ارواح بیشماری هم‌زمان در جهان دوزخیان به‌صورت حیوانات، موجودات بسیار ریز و گیاهان، انسان و خدایان زاده شوند (شوبرینگ، ۲۰۰۰، ص ۱۸۹). بنابراین تناسخ در آخرت‌شناسی جَبَّنه به‌معنای باززاده شدن جی‌وه در یکی از سه قلمرو جهان بالا به‌صورت خدایان آسمانی، جهان میانه به‌صورت موجودات بسیار ریز، گیاه و انسان، و در جهان زیرین به‌صورت موجودات دوزخی است.

جَبَّنه گرفتاری جی‌وه در سَمَساره را بسیار رنج‌آور و وحشتناک توصیف می‌کند. یکی از مشهورترین داستان‌های تمثیلی که بیان‌کنندهٔ رنج‌آور بودن گرفتار شدن جی‌وه در سَمَساره و ناچیز بودن لذایذ مادی است، تمثیل مرد در گودال یا چاه است. داستان چنین حکایت می‌کند: فیلی تومنبد به مردی که از میان جنگلی انبوه عبور می‌کرد، حمله کرد. مرد برای فرار سعی کرد از درخت انجیر هندی بالا برود، ولی نتوانست؛ لذا مجبور شد در گودالی که در نزدیکی درخت بود و با گیاهان پوشیده شده بود، بجهد. او توانست علف‌هایی را که از دیوار گودال روییده بودند بگیرد و معلق بماند. در این حال فیل بر فراز گودال رسید و سعی داشت با دراز کردن خرطومش او را بگیرد، ولی تنها سرش را لمس کرد و نتوانست او را بیرون بکشد.

در این حال، مرد اطرافش را نگاه کرد. او پایین چاه مارهایی را دید که به او نگاه می‌کنند. در آن میان، افعی بزرگی نیز دهان گشوده و منتظر بلعیدن او بود و کنار او چهار مار کوچک‌تر نیز او را تهدید می‌کردند. مرد با دیدن این صحنه، با ترس به علف‌ها چنگ زد تا درون گودال نیفتد، ولی هنگامی که سرش را بالا آورد، دید دو موش سفید و سیاه آن علف‌هایی را که او به آنها چنگ زده بود، با دندان‌های تیزشان می‌چوند.

بالای چاه نیز فیل خشمگین درخت را تکان می‌داد و در اثر آن تکان‌ها، کندوی زنبور عسلی که روی درخت بود، بر سر او افتاد و زنبورها شروع کردند به نیش زدن مرد. در همان حال، مقداری عسل به پیشانی‌اش ریخت و کم‌کم به لب‌هایش رسید و شیرینی عسل باعث شد که مرد تمام تهدیدهای پیرامونش را فراموش کند.

در این داستان، مرد افتاده در گودال نماد جی‌وه است که گذرش به جنگل سَمَساره و تناسخ افتاده؛ درخت نماد زندگی، و گودال نماد وجود انسانی است؛ فیلی هم که مرد را تهدید می‌کرد، نماد مرگ است و افعی بزرگ نماد جهنم و چهار مار دیگر نماد چهار حس؛ دو موش سیاه و سفید نیز نماد دو نیمهٔ روشن و تاریک ماه هستند و زنبورها نماد بیماری‌ها و قطرات عسل نمایانگر لذایذ دنیوی‌اند. انسان نیز همانند مرد در گودال با چسبیدن لذایذی که از طریق حس‌هایش درک می‌کند، فراموش می‌کند که در چه موقعیت خوفناکی گرفتار آمده است (گلزناب، ۱۹۹۹، ص ۲۱۶).

در جَبَّنه، چگونگی تأثیر کَرَمه بر انسان، با تمثیل شش مرد و درخت انبه بیان می‌شود. به این تمثیل، «لِشیا»

(Leśyā) یا رنگ می‌گویند؛ چون هریک از این شش مرد، رنگ نمادین خاصی دارند که نشان‌دهنده ماهیت آنهاست. این شش رنگ در دو دسته‌اند: لشیای نیکو، شامل رنگ‌های «نارنجی - سرخ»، «صورتی نیلوفری» و «سفید»؛ و لشیای بد و ناشایسته، شامل رنگ‌های «سیاه»، «آبی تیره» و «خاکستری». لشیاهای اول، یعنی لشیای نیکو، کسانی‌اند که در راه نجات قدم برمی‌دارند، ولی لشیای دوم، یعنی لشیای بد، کسانی‌اند که سرنوشتشان جهنم و تناسخ در قالب گیاهان و حیوانات خواهد بود و از نائل شدن به مقام نجات نهایی دور می‌شوند.

در تمثیل لشیای هریک از این مردان سعی دارند از میوه درخت بهره ببرند، ولی به‌میزان آسیبی که به این منظور به درخت وارد می‌کنند، گناهکارند. یکی از مردان که زیر درخت ایستاده و با رنگ سیاه متمایز شده است، به طمع خوردن انبه‌ها سعی می‌کند تنه درخت را قطع کند. این فرد از همه بدتر است. فرد دیگر که رنگش آبی تیره یا ارغوانی است، شاخه بزرگی از درخت را قطع می‌کند. سومین فرد هم که خاکستری‌رنگ است، شاخه‌های نازک را می‌شکند. فرد چهارم که با رنگ نارنجی - سرخ شناخته می‌شود، ترکه‌ها را می‌شکند. آن دیگری که رنگش صورتی نیلوفری است، انبه‌ها را می‌چیند. درنهایت، ششمین فرد که با رنگ سفید شناخته می‌شود، تنها انبه‌هایی را که بر زمین ریخته‌اند، جمع می‌کند و هیچ آسیبی به درخت وارد نمی‌کند، که از دیگر مردان بهتر است (پانیکر، ۲۰۱۰، ص ۳۹۲، و تیتزه، ۲۰۰۱، ص ۲۳۹).

## ۲. انواع کرمه در سلوک عرفانی

به‌طور کلی، کرمه در جینه به هشت دسته تقسیم می‌شود که این هشت دسته نیز به دو دسته چهارتایی «گهاتیا» (Ghātiyā) یا زبان‌بار و «آگهاتیا» (Aghātiyā) یا غیر زبان‌بار تقسیم می‌شوند.

کرمه زبان‌بار (گهاتیا)، یعنی کرمه‌هایی که برای جی‌وه یا روح زبان‌بارند، عبارت‌اند از:

۱. مهنی‌یه / Mohanīya (مهنی‌یه کرمه / Mohanīya Karma): کرمه فریبنده و گمراه‌کننده؛ نوعی از کرمه که باعث عقاید اشتباه می‌شود و فرد را از عمل به تعالیم دینی ناتوان می‌کند؛ همانند شراب که فرد را از شناخت و تمایز قائل شدن میان خوب و بد ناتوان می‌کند؛

۲. جناناورنی‌یه / Jñānāvaranīya (جنانه آورنده کرمه / Jñāna Āvaraṇa Karma): کرمه پنهان‌کننده دانش راستین؛ کرمه‌ای که همانند ابری که جلوی درخشش نور خورشید را می‌گیرد یا پارچه‌ای که روی تصویری را می‌پوشاند، روح را دربرمی‌گیرد و دانش مطلق روح را که ذاتی آن است، از آن سلب می‌کند؛

۳. درشناورنی‌یه / Darśanāvaraṇīya (درشنه آورنده کرمه / Darśana Āvaraṇa Karma): کرمه مانع استنباط و بصیرت درست؛ کرمه‌ای که مانع ادراک درست از منابع مختلف دانش، شامل اندام‌های حسی و دیگر منابع کسب درک و شناخت، می‌شود؛ همانند نگهبانی که مانع حضور مردم به بارگاه سلطان می‌گردد؛

۴. انترایه / Antarāya (انترایه کرمه / Antarāya Karma): کرمه مانع؛ کرمه‌ای که مانع بروز فضایل و نیکی‌های درونی روح می‌شود. این نوع کرمه خود به انواع مختلفی تقسیم می‌شود:

الف) دانه انترایه کرّمه / Dāna Antarāya Karma: کرّمه‌ای که مانع سخاوت می‌شود و از صدقه دادن به افراد مقدس و نیازمندان جلوگیری می‌کند؛

ب) لایبهه انترایه کرّمه / Lābha Antarāya Karma: کرّمه‌ای که مانع دریافت صدقه می‌شود؛ به‌ویژه توسط مردان مقدسی که با دریافت صدقات می‌توانند دین را گسترش دهند؛

پ) بهگه انترایه کرّمه / Bhoga Antarāya Karma: کرّمه‌ای که مانع از لذت بردن از اتفاقات می‌شود؛

ت) اوپه‌بهگه انترایه کرّمه / Upabhoga Antarāya Karma: کرّمه‌ای که باعث ناکامی‌های پیاپی در زندگی می‌شود و مانع از لذت بردن از زندگی می‌شود؛

ث) وی‌ریه انترایه کرّمه / Vīrya Antarāya Karma: کرّمه‌ای که مانع فعالیت ما می‌شود و ما را در رسیدن به خواسته‌هایمان ناکام می‌گذارد.

کرّمه غیر زبان‌بار (اگّهاتیا)، یعنی کرّمه‌هایی که برای جی‌وه یا روح زبان‌بار نیستند، عبارت‌اند از:

۱. ودنی‌یه / Vedanīya (ودنی‌یه کرّمه / Vedanīya Karma): حس کردن؛ کرّمه‌ای که باعث می‌شود

تجربه‌های ما در زندگی، خوشایند یا ناخوشایند باشند. این کرّمه را با شمشیری بسیار تیز مقایسه کرده‌اند که لبه آن را با عسل آغشته کنید و در دهان بگذارید؛

۲. نامنه / Nāmana (نامه کرّمه / Nāma Karma): نام؛ کرّمه‌ای که نوع تناسخ بعدی و همچنین نوع

حس‌ها و شایستگی‌های روحانی را مشخص می‌کند؛ اینکه فرد در زندگی بعدی‌اش به‌صورت موجودی آسمانی، انسان یا حیوان یا در انواع جمادات متولد شود؛

۳. آیوش / Āyus (آیوش کرّمه / Āyus Karma): زندگی؛ کرّمه‌ای که مدت زمان زندگی فرد را در تناسخ

کنونی مشخص می‌کند؛ همانند طنابی که مانع دور شدن حیوان از محدوده مشخصی می‌شود؛

۴. گُتره / Gotra (گُتره کرّمه / Gotra Karma): طایفه و خاندان؛ کرّمه‌ای که جایگاه بالا یا پایین شخصیت

فرد را تعیین می‌کند و بدین ترتیب امکان یا عدم امکان طی طریق به‌سوی مسیر روحانی فرد را مشخص می‌سازد (دوندا، ۲۰۰۲، ص ۹۹؛ زیمر، ۱۹۵۳، ص ۲۷۱).

### ۳. تأثیر و موانع عمل انسان

در آیین جینه، از نظر هستی‌شناسی تأثیر مواد کرّمه‌ای بر روح یا جی‌وه را «آسروه» (Āsrava) می‌گویند. این نفوذ و

تأثیر، که باعث آلوده شدن روح (جی‌وه) آدمی به مواد کرّمه‌ای می‌شود، بر اثر سه نوع فعالیت انسان رخ می‌دهد: ۱.

اعمالی که با اندام‌های بدن انجام می‌شود؛ ۲. سخنی که بر زبان می‌رانیم؛ ۳. فکر و اندیشه. بنابراین چنان که آب از

طریق جویبارها و نهرها به دریاچه می‌ریزد و آن را پر می‌کند، این سه نوع فعالیت نیز باعث ایجاد آسروه می‌شوند. از

طرفی از منظر این آیین، انسان بر اثر آلودگی روح، گرفتار قید و بندهای محدودکننده شدید مادی می‌شود که به آن،

«بندَه» (Bandha) می‌گویند. این قید و بندها همچون وزنه‌هایی که مانع پرواز و ارتفاع گرفتن بالن می‌شوند، مانع تعالی روح و کمال ذاتی جی‌وه می‌گردند.

به‌طور کلی دو نوع آسروه وجود دارد:

الف) «شوَبهه آسروه» (Śubha Āsrava) به‌معنای تأثیر خوب کَرَمه، که شامل فضایل و اعمال حسنه است و باعث تولید «پونیه» (Punya) یا ثواب می‌شود؛

ب) «اشوَبهه آسروه» (Aśubha Āsrava) به‌معنای تأثیر بد کَرَمه، که رذایل و بدی‌ها را دربرمی‌گیرد و باعث تولید «پاپه» (Pāpa) یا گناه است (پانکر، ۲۰۱۰، ص ۳۹۰؛ جین، ۱۹۹۲، ص ۱۶۷؛ سنکاو، ۲۰۰۱، ص ۳۵).

یکی از انواع کَرَمه در جینه، «پونیه» به‌معنای ثواب و کارهای نیک و شایسته است. البته براساس آموزه‌های این آیین، جمع‌آوری ثواب امری فرعی و مقدماتی شمرده می‌شود که بیشتر مربوط به افراد عادی جینه است تا مرتاضان این آیین؛ چون یکی از کارهای اصلی که پونیه دربردارد، بخشش و صدقه دادن است و این کار نیز به پول و ثروتی نیاز دارد که از راه فعالیت‌های دنیوی و داشتن شغل کسب می‌شود.

پونیه انواعی دارد که در هر دو مذهب «شوتامبره» و «دیگمبره» یکسان است و تفاوت آنها تنها در این است که بنا بر مذهب شوتامبره، پونیه برای همه نیازمندان، چه مرتاض و چه افراد عادی و حت دیگر موجودات، مصداق می‌یابد؛ ولی بنا بر مذهب دیگمبره، تمام انواع پونیه تنها برای مرتاضان (مونی) باید انجام شود. به‌طور کلی، نه نوع پونیه وجود دارد:

۱. «آنه پونیه» (Anna Punya): بخشیدن خوراک به فرد گرسنه و تهیدست؛
۲. «پانه پونیه» (Pāna Punya): بخشیدن آب به فرد تشنه و سیراب کردن او؛
۳. «وستره پونیه» (Vastra Punya): هدیه دادن لباس به فرد نیازمند و برهنه؛
۴. «لاین پونیه» (Lāyan Punya): سرپناه دادن به فرد بی‌خانمان که جایی برای اقامت ندارد؛
۵. «ساین پونیه» (Sāyan Punya): دادن بستر و محلی برای استراحت به فرد خسته؛
۶. «مان پونیه» (Mān Punya): احترام و تکریم افرادی که شایستگی آن را داشته باشند؛
۷. «وَجَن پونیه» (Vacan Punya): گفتن سخن نیکو که حاصل نیکو داشته باشد؛
۸. «شربره پونیه» (Śarira Punya): هر فرد، خود شخصاً به افراد نیازمند رسیدگی کند و یاری رساند؛
۹. «نمسکاره پونیه» (Namaskāra Punya): احترام و تکریم افراد مشخص و بزرگان ( Nahar and Ghosh, 1988: 489).

نکته مهمی که باید مدنظر داشت، این است که انجام پونیه‌های نه‌گانه، درنهایت نجات و رهایی از سَمساره را به‌دنبال نخواهد داشت و تنها پاداش‌های محدود در حیات پس از مرگ را در پی دارد، که شامل ۴۲ نوع پاداش می‌شود. برخی از این پاداش‌ها از این قرارند: لذت؛ شادی؛ تولد مجدد در کالبد طبقات بالای اجتماعی، مانند طبقه

فرمانروایان و جنگجویان (کُشْتَرِبِه)؛ تولد در جسم مرد؛ تولد به صورت موجودات آسمانی؛ ایجاد میل به انجام اعمال نیک و رفتار پسندیده؛ دارا شدن جسمی متناسب با وزن، شکل، رنگ و بوی خوب و جذاب؛ تولد در کالبد موجودات دارای قدرت پرواز، مانند قو؛ کسب خوشبختی و بهروزی؛ داشتن صدای خوش و دلشین؛ داشتن عمر طولانی؛ ... (کنومال، ۱۹۱۷، ص ۱۱).

در آیین جینه انجام عمل بد با قصد و نیت بد، تنها یکی از انواع گناه (پاپه) است و برای اینکه کار ناشایسته، پاپه شمرده شود، داشتن قصد و نیت و توجه به آن عمل، لزومی ندارد. بنابراین اگر فردی حتی بدون قصد نیز مرتکب یکی از پاپه‌ها شود و به اصطلاح اتفاقاً و تصادفی مرتکب گناهی شود، باز هم دچار اثر وضعی آن خواهد شد؛ زیرا - چنان که بیان شد - خودِ عمل، مواد کرمه‌ای تولید می‌کند که مانع تعالی روح می‌شود.

متون مقدس جینه این آموزه را با بیان مثال‌هایی چنین تبیین می‌کنند که اگر کسی به قصد کشتن آهوئی حیوان دیگری را کشت، می‌گویند: اتفاقی کُشت؛ چنان که به قصد بریدن گیاه هرزی ساقهٔ برنجی را قطع کند، می‌گویند: اتفاقی بُرید؛ یا به قصد کشتن دشمن یا یک دزد دوستش را کشت، می‌گویند: اتفاقی کشت؛ ولی در تمام این موارد، پلیدی گناه بر روح فرد وارد خواهد شد.

همچنین برای پاپه، ارتکاب مستقیم کار ناشایسته نیز ضروری نیست و اگر انسان به واسطه نیز باعث چنین کاری شود و خود اقدام و قصد عمل را نداشته، ولی بدان راضی باشد نیز اثر آلوده‌کنندهٔ کرمهٔ بد بر روح او بار خواهد شد؛ چنان که در آموزه‌های متون مقدس جینه چنین بیان می‌شود: اگر مردی موجودات زنده را بکشد یا باعث شود دیگری مرتکب قتل آنها شود یا از این کشتار راضی باشد، شرارت و بدی همگی به‌طور یکسان افزایش می‌یابد (کریشان، ۱۹۹۷، ص ۴۷).

بر اساس آموزه‌های جینه، پاپه ممکن است بر اثر هجده عمل ناشایست (پاپه ستهانه / Pāpa Sthāna) به وجود بیاید:

۱. «پراناتی ودهه هیمسّا» (Prāṇi Vadha Himsā): قتل؛
۲. «استیه» (Asatya): دروغ؛
۳. «دَتانه» (Adattādan): سرقت؛
۴. «اُبرهمه، مِتهونه» (Abrahma, Maithuna): عدم نجات (رابطهٔ جنسی)؛
۵. «پریگرهه» (parigraha): طمع و دلبستگی به ثروت؛
۶. «کُرْده» (Krodha): خشم؛
۷. «مانه» (Māna): تکبر و غرور؛
۸. «مایا» (Māyā): فریب؛
۹. «لُبّه» (Lobha): حرص و طمع؛



۱۰. «راگ» (Rāg): احساس تعلق و وابستگی؛
۱۱. «دُوشه» (Dveṣa): کینه؛
۱۲. «کله» (Kalaha): بحث و مشاجره؛
۱۳. «اُبھیاکُهیینه» (Abhyākhyāna): نسبت ناروا، تهمت؛
۱۴. «پیشونیه» (Paiśunya): غیبت و بدگویی؛
۱۵. «پریواده، نیندا» (Parivāda, Nindā): بدنام کردن دیگران؛
۱۶. «ارتی، رتی» (Arati, Rati): کاهلی و سرخوشی؛
۱۷. «مایا مریشا» (Māyā, Mṛṣā): سخن فریبنده؛
۱۸. «میتهیاتوه» (Mithyātva): عقیده باطل (ویلیامز، ۱۹۹۸، ص ۲۰۶).

#### ۴. طریقت‌گرایی در سلوک (سَموره و نیرجرا)

براساس آموزه‌های آیین جینه، نائل شدن به نجات نهایی از گردونهٔ رنج بار سَمساره، شامل دو مرحلهٔ اصلی است:

«سَموره» (Samvara): توقف جذب مادهٔ جدید به روح؛

«نیرجرا» (Nirjarā): بیرون راندن و دفع کردن آثار کَرَمه‌های گذشته.

مفهوم «سَموره» معکوس «اَسروه»، به‌معنای متوقف کردن نفوذ کَرَمه‌های تازه و جدید به جی‌وه است. برای به‌انجام رساندن سَموره، باید در ذهن، جسم و سخن، پرهیزگار و خویش‌نشان دار بود؛ مراقبه و تمرکز دینی انجام داد و بر شهوات و امیال نفسانی غلبه یافت؛ همچنین باید صفات نیکویی مانند بخشش و گذشت، محبت و مهرورزی، خلوص و پاکی، حقیقت و راستی، زهد و ریاضت و عدم وابستگی به امور دنیوی را نیز در خود پرورش داد (پروتی، ۲۰۰۴، ص ۵۰؛ فوهر، ۲۰۱۵، ص ۴۶).

«نیرجرا» به‌معنای تخلیهٔ مواد کَرَمه‌ای واردشده بر جی‌وه، از طریق ریاضت‌های سخت جسمانی است. آن‌گونه‌که در یکی از متون مقدس جینه به‌نام *تتوارتهه سوئتره* (Tattvārtha Sūtra) — که مورد اتفاق هر دو مذهب شوَتامبره و دیگمُبره است — بیان شده، به‌طور کلی دو نوع «نیرجرا» وجود دارد: نیرجرای خارجی و داخلی.

نیرجرای خارجی عبارت است از:

۱. «آنشن» (Anaśan): خودداری کامل از خوردن و آشامیدن؛
۲. «اَلپاهاره» (Alpāhāra): کم کردن مقدار خوراک از میزان خوراک معمولی؛
۳. «ایچچَهانیرُدَده» (Icchānirodha): کنترل امیال و هوس‌ها به خوراک و امور مادی؛
۴. «رَسَه‌تیاگه» (Rasatyāga): اجتناب کامل از خوردن یا نوشیدن خوراک‌های آبدار و خوشمزه؛ مانند عسل، الکل، کره، شیر، چای، شیرینی و آب‌میوه؛ به‌عبارت‌دیگر، عدم وابستگی به طعم خوراک‌ها؛
۵. «کیکِلسه» (Kayakleśa): کنترل شهوات و امیال نفسانی از طریق انضباط؛

ع «سملینته» (Samlinata): نشستن در مکانی در انزوا و تنهایی، درحالی که به اطراف بی توجه است. نیرجرای داخلی هم عبارت است از:

۱. «پرایشچیته» (Prāyaścita): توبه از نقض عهدها؛
۲. «وینیه» (Vinaya): رفتار مناسب و فروتنی در برابر استاد؛
۳. «ویاوتته» (Vaiyavrata): خدمت فداکارانه به افراد رنجور و مستحق؛
۴. «سوادھیابه» (Svādhyāya): گوش سپردن و فراگیری متون دینی؛
۵. «بهوتسرگه» (Bhutsarga): عدم وابستگی به جسم؛

ع «شوبه دھیانه» (Śubha Dhyāna): مراقبه و تمرکز دینی (پروتی، ۲۰۰۴، ص ۵۱).

رابطه دو دسته مفهوم مهم در آموزه‌های جینه، که دسته اول انسان را از مکشه دور می‌کند، یعنی آسروه و بنده، و دسته دوم که انسان را به مکشه می‌رساند، یعنی سموره و نیرجرا، با مثالی ساده به وضوح تبیین می‌شود: «مردی برای رسیدن به آن سوی رود، سوار بر قایقی چوبی می‌شود. ناگهان قایق سوراخ می‌شود و خطر غرق شدن، او را تهدید می‌کند. مرد برای نجات تلاش می‌کند تا سوراخ قایق را بگیرد؛ سپس مقداری آب را که وارد قایق شده بود، بیرون می‌ریزد. او درنهایت با این کار می‌تواند سالم به آن سوی رود برسد». در این مثال، مرد نماد جی‌وه و قایق نماد اجی‌وه است. ورود آب نماد آسروه، و انباشته شدن آب در قایق نماد بنده است. بستن سوراخ همان سموره، و خالی کردن آب از داخل قایق همان نیرجرا می‌باشد. رسیدن مرد به آن سوی رود نیز همان مکشه است (سیدارتا، ۲۰۰۹، ص ۵).

## ۵. مراحل سلوک منهای خدا (گونستهانه)

براساس آموزه‌های جینه، روح هر فرد (جی‌وه) می‌تواند با طی چهارده مرحله رشد معنوی، از تأثیرات منفی آثار کردار گذشته (کرمه) رهایی یابد و درنهایت به مقام کمال روحانی یا مکشه نائل شود. به این مراحل رشد و ترقی معنوی، «گونستهانه» (Gunaṣṭhāna) به معنای «مراحل فضیلت» می‌گویند. البته روح تنها هنگامی که به گونستهانه چهارم می‌رسد، امکان رهایی از قید و بندهای کرمه را می‌یابد و در ادامه مسیر، در گونستهانه ششم می‌تواند به عنوان یک زاهد، در راه نجات به سیر و سلوک بپردازد. طی این مراحل، از فردی غیر رهرو و عادی تا زاهد و مرتاض جینه، تنها به عمل و کردار مناسب و شایستگی فرد بستگی کامل دارد (فولکرت، ۱۹۹۳، ص ۱۰) و برخلاف ادیان خداپاوار، لطف و عنایت خدا یا موجودی برتر هیچ نقشی در این سیر و سلوک ندارد.

## ۵.۱. میتیادریشتی گونستهانه (Mithyādṛṣṭi guṇaṣṭhāna)

مرحله نخست به معنای پیروی از گمراهی است. این مرحله مربوط به کژآیینی و باورهای کاملاً نادرست است که بر اثر نفوذ و تأثیر کامل کرمه بر روح به وجود می‌آید. بسیاری از ارواحی که قادر به نجات نیستند، مانند ارواحی که در

کالبد حیوانات تک‌حسی تا پنج‌حسی‌اند و فاقد قدرت اندیشه و تفکرند، هرگز نمی‌توانند از این مرحله صعود کنند، اما ارواح دیگر می‌توانند از این مرحله صعود کنند یا حتی مستقیماً به مرحله چهاردهم برسند؛ چنان‌که ارواحی که در مراحل بالاترند نیز ممکن است به این مرحله تنزل کنند. این مرحله، در منابع جینه چنین توصیف شده است: «همان‌گونه که فرد کور مادرزاد نمی‌تواند تفاوت زشت و زیبا را تشخیص دهد، فردی که در مرحله میتهیا است نیز نمی‌تواند صحیح را از غلط تشخیص دهد» (گلزناب، ۱۹۹۹، ص ۲۲۱؛ استیونسون، ۱۹۱۵، ص ۱۸۵).

#### ۵.۲. ساسوادنه سمیگدریشتی گونستنهانه (Sāsavadana samyagr̥ṣṭi guṇasthāna)

مرحله دوم به معنای چشیدن طعم حقیقت است. روح پس از گردش در گردونه پیاپی زاد و مرگ و تناسخ، کمی از ناخالصی‌ها و نادانی‌های خود را از دست می‌دهد و می‌تواند کمی تفاوت بین صحیح و غلط را تشخیص دهد. البته کسانی که به چنین توانایی‌ای می‌رسند، همگی نمی‌توانند به مقام بالاتر صعود کنند و ممکن است این تمایز ناچیز را فراموش کنند، ولی کسانی که به این تمایز توجه داشته باشند، وارد مرحله دوم می‌شوند و راه رسیدن به مقام نجات نهایی یا مکشه را آغاز می‌کنند (گلزناب، ۱۹۹۹، ص ۲۲۱؛ استیونسون، ۱۹۱۵، ص ۱۸۵).

#### ۵.۳. سمیگمیتهیادریشتی گونستنهانه (Samyagmithyādr̥ṣṭi guṇasthāna) (میشره گونستنهانکه /

#### Misra guṇasthānaka)

مرحله سوم به معنای ترکیب حقیقت و گمراهی است. روحی که به این مرحله می‌رسد، از جایگاهی متزلزل و ناپایدار برخوردار است؛ چون گاهی حقیقت را می‌داند و گاهی به آن شک می‌کند. درحقیقت، باوری آمیخته از صحیح و غلط دارد؛ همانند خوراکی‌ای که کمی شیرین و کمی شور باشد (گلزناب، ۱۹۹۹، ص ۲۲۱؛ استیونسون، ۱۹۱۵، ص ۱۸۵).

#### ۵.۴. اویرته سمیگدریشتی گونستنهانه (Avirata samyagr̥ṣṭi guṇasthāna)

مرحله چهارم به معنای حرکت در مسیر راستی با وجود تأثیرات مادی است. انسان در این مرحله، یا بر اثر تأثیر مثبت کردار نیک زندگی گذشته‌اش یا به سبب راهنمایی‌ها و تعالیم پیشوای معنوی (گورو / Guru) می‌تواند به ایمان درست دست یابد. البته فردی که در مرحله چهارم قرار دارد، هنوز کاملاً به خویشتن‌داری دست نیافته است و اگر می‌خواهد به مرحله پنجم صعود کند، باید بتواند سه صفت ناپسند خشم، تکبر و آزمندی را در خود نابود کند. کسی که در این مرحله است، پنج آگاهی نیکو کسب خواهد کرد:

۱. قادر می‌شود خشمش را مهار کند (شمه / Śama)؛

۲. درک می‌کند که جهان، اهریمنی است و هرکس در آن از حاصل کردار خود (کرمه) بهره می‌برد و باید

کمترین علاقه را به آن داشته باشد (شموگه / Śamavega)؛

۳. خواهد فهمید که همسر و فرزندان به او تعلق ندارند (نیروده / Nirveda)؛

۴. می‌فهمد که باید به کسانی که دارای پریشانی و مشکلات‌اند، کمک کرد (انوکمپا / Anukampā)؛

۵. ایمان کامل به همهٔ نجات‌یافتگان (جینَه) پیروزی بر امیال مادی (آسته / Āsthā). در این مرحله، هنوز عهدهای مقدس را نبسته و تحت تأثیر کردار است (گلزناب، ۱۹۹۹، ص ۲۲۱؛ استیونسون، ۱۹۱۵، ص ۱۸۵).

#### ۵. دشویرته سمیگریشتی گونسنْهانه (Deśavirata samyagdr̥ṣṭi guṇasthāna)

مرحلهٔ پنجم به‌معنای جدایی جزئی از امور دنیوی است. در این مرحله، فرد دارای ایمان درست است و تا حدودی خویشتن‌داری ناقصی دارد و دوازده عهد مقدس می‌بندد. این مرحله دارای سه بخش است که هر کدام یک گام به جلو در راه رشد روحانی شمرده می‌شود:

۱. عهد می‌بندد که مشروبات الکلی ننوشد و گوشت ماهی مصرف نکند؛ همچنین همواره به پنج گروه انسان‌های نجات‌یافته (پنجه پرمِشتهی) احترام بگذارد و به‌یاد آنها باشد؛

۲. همواره از راه درست درآمد کسب کند و هر روز شش وظیفهٔ روزانه‌اش (نیایش، خدمت به مرشد (گورو)، تعلیم متون دینی، کنترل حواس، ریاضت و دادن صدقه) را انجام دهد؛

۳. تنها یک وعده در روز خوراک بخورد؛ همیشه پارسایی خالص داشته باشد؛ از جامعه و حتی همسرش کناره‌گیری کند؛ هیچ چیزی که زنده باشد، مصرف نکند و درنهایت به جمع مرتاضان و زاهدان (سادْهو) بپیوندد (گلزناب، ۱۹۹۹، ص ۲۲۱؛ استیونسون، ۱۹۱۵، ص ۱۸۵).

#### ۶. پرمته سمیته گونسنْهانه (Pramatta Saṁyata guṇasthāna)

مرحلهٔ ششم به‌معنای ترک دنیا با وجود تأثیرات جزئی دنیوی است. در این مرحله، که تنها برای انسان‌ها دست‌یافتنی است و تنها زاهدان حقیقی از آن صعود می‌کنند، فرد می‌تواند به خویشتن‌داری و انضباط شخصی کامل دست یابد. در این مرحله، فرد بر تمام شهوات کوچک غلبه یافته یا آنها را نابود کرده است و تنها غفلت‌ها و قصورهای خاصی مانند تکبر، لذت از اندام‌های حسی و خواب هنوز باقی‌اند که برای ترقی به مرحلهٔ بعد، باید تحت کنترل درآیند (گلزناب، ۱۹۹۹، ص ۲۲۱؛ استیونسون، ۱۹۱۵، ص ۱۸۵).

#### ۷. اپرمته سمیته گونسنْهانه (Apramatta Saṁyata guṇasthāna)

مرحلهٔ هفتم به‌معنای ترک کامل دنیاست. در این مرحله، افزون بر خویشتن‌داری و انضباط شخصی کامل، فرد خشم را در خود کاملاً از بین برده، ولی هنوز هم اثرات کمی از غرور و آزمندی در او باقی مانده است. چنین فردی می‌تواند با مراقبه، این اثرات بد را درنهایت کاملاً از بین ببرد (گلزناب، ۱۹۹۹، ص ۲۲۱؛ استیونسون، ۱۹۱۵، ص ۱۸۵).

#### ۸. اپوروه کرنه گونسنْهانه (Apūrvā Karaṇa guṇasthāna)

مرحلهٔ هشتم به‌معنای تجربهٔ چیزی است که تجربه نشده است. این مرحله‌ای از رشد معنوی است که به‌باور مذهب

دیگمبیره، زنان در نهایت تا این مرحله بیشتر نمی‌توانند رشد کنند. در این مرحله، فرد می‌تواند چنان مسرت و شادایی را تجربه کند که تا پیش از آن هرگز تجربه نکرده است. همان‌گونه که در مرحله قبل خشم در او کاملاً ناپود شد، در این مرحله تکبر نیز کاملاً ناپود می‌شود و با مراقبه می‌توان آثار به‌جای‌مانده کرمه را نیز به‌سرعت ناپود کرد (گلزناپ، ۱۹۹۹، ص ۲۲۱؛ استیونسون، ۱۹۱۵، ص ۱۸۵).

#### ۵-۹. انیوریتیِ بادره سمپرایه گونستنهانه (Anivṛtti Bādara Samparāya guṇasthāna)

مرحله نهم به‌معنای در جست‌وجوی رهایی از تناسخ است. در این مرحله، حيله و نیرنگ و همچنین گرایش‌های جنسی و شهوانی نیز از وجود انسان پاک می‌شوند. تنها مشکل بزرگی که در این مرحله هنوز باقی می‌ماند، خطورات بسیاری از دوران پیش از ریاضت است (گلزناپ، ۱۹۹۹، ص ۲۲۱؛ استیونسون، ۱۹۱۵، ص ۱۸۵).

#### ۵-۱۰. سوکشمه سمپرایه گونستنهانه (Sūkṣma Samparāya guṇasthāna)

مرحله دهم به‌معنای رسیدن به لطافت است. در این مرحله، فرد از هرگونه تأثیر حس‌ها و احساسات رها می‌شود. بنابراین صداها و شکل‌ها برای او لذت‌بخش نیستند و هیچ چیزی برای او رنج‌آور، ترسناک، اندوه‌بار یا تنفرانگیز نیست.

#### ۵-۱۱. اوپشانته کشایه وی‌ترآگه چدمسنه گونستنهانه (Upaśānta Kaṣāya Vītarāga)

#### (Cadmastha guṇasthāna)

مرحله یازدهم به‌معنای از بین رفتن توهم است. این مرحله برای سالک بسیار خطرناک و حساس است و همه‌چیز به این بستگی دارد که او چه برخوردی با گناه و آزمندی خویش داشته باشد. اگر آنها را ناپود و کاملاً خاموش کند، در امان است، ولی اگر تنها آنها را ساکن و غیرفعال کند، همانند سیلی که پشت سد باقی مانده، سرانجام ممکن است هر لحظه سد را بشکند و جاری شود. در این صورت، روح سالک که تا این مرحله صعود معنوی کرده است، به مرحله ششم یا هفتم و حتی پایین‌تر سقوط خواهد کرد (گلزناپ، ۱۹۹۹، ص ۲۲۱؛ استیونسون، ۱۹۱۵، ص ۱۸۵).

#### ۵-۱۲. کشی‌نه کشایه وی‌ترآگه چدمسنه گونستنهانه (Kṣīṇa Kaṣāya Vītarāga Cadmastha)

#### (guṇasthāna)

مرحله دوازدهم به‌معنای از بین رفتن همه موانع است. انسان در این مرحله، نه‌تنها از حرص و آزمندی رهایی می‌یابد، بلکه از هر نوع کرمه «گهاتین» (Ghātin)، یعنی کرمه‌هایی که مانع دانش مطلق روح می‌شوند نیز آزاد می‌شود. البته در این مرحله نیز کرمه «آگهاتین» (Aghātin)، یعنی کرمه‌هایی که راحت از بین می‌روند و مانع دانش مطلق نمی‌شوند، باقی است و این مسئله باعث می‌شود کمی روح مقید باشد (گلزناپ، ۱۹۹۹، ص ۲۲۱؛ استیونسون، ۱۹۱۵، ص ۱۸۵).

### ۵-۱۳. سیگی کولی گونستنهانه (Sayogi Kevalī guṇasthāna)

مرحله سیزدهم به معنای رسیدن به رهایی در حالت جسمانی است. کسی که به این مرحله می‌رسد، شروع به موعظه می‌کند و جامعه‌ای از مؤمنان (تی‌رتبه / Tīrtha) را شکل می‌دهد و به مقام «تیرتهنکره» می‌رسد. چنین فردی دارای خرد جودان، بصیرت نامحدود، شادی ابدی و نیروی بیکران خواهد شد.

### ۵-۱۴. ایگی کولی گونستنهانه (Ayogi Kevalī guṇasthāna)

مرحله چهاردهم به معنای رسیدن به رهایی روحانی است. در این مرحله تمام کرم‌ها پالوده می‌شوند و حرکت به سوی نجات نهایی (مکشه) ادامه خواهد یافت و در نهایت روح در بالاترین مقام کمال خود (سیددهه) به حیات خود ادامه خواهد داد (گلزناپ، ۱۹۹۹، ص ۲۲۱؛ استیونسون، ۱۹۱۵، ص ۱۸۵).

### ۶. مقام رهایی سالک

مقصد و هدف نهایی زهد و سیر و سلوک در آموزه‌های جینه، نائل شدن به نهمین حقیقت (نوه تتوه) یا رهایی جی‌وه از بند آجی‌وه و رسیدن به مقام نجات نهایی یا مکشه است. مکشه درحقیقت از بین بردن، محو کردن و تخلیه تمام آثار کرمه بر جی‌وه است که در گردونه زاد و مرگ (سَمساره)، جی‌وره را پوشانده و آلوده کرده است. براساس آموزه‌های آیین جینه، برای نجات از گردونه رنج آور تناسخ، انسان باید سه ویژگی، موسوم به سه گوهر (تری‌رتنه / Triratna) را در خود پرورش دهد. این سه گوهر عبارت‌اند از:

۱. «سمیگ درشنه» (Samyag Darśana) یا «بصیرت درست»، که مفهوم آن ایمانی تزلزل‌ناپذیر به آموزه آیین جینه است؛
۲. «سمیگ جانه» (Samyag Jñāna) یا «دانش درست»، به معنای فهم و درک درست اصول آموزه آیین جینه؛
۳. «سمیک چاریتره» (Samyak Cāritra) یا «عمل درست»، به معنای دادن جنبه عملی به آموزه‌های جینه و زندگی مطابق آن (جینی، ۲۰۱۳، ص ۵۲).

با پرورش هم‌زمان و هم‌گام هر سه عنصر، هواهای نفسانی کنترل می‌شوند و کرمه‌های روح که او را در اسارت ماده محدود کرده‌اند، ناپدید می‌شوند و روح به کمال خود می‌رسد و به سعادت نامتناهی نائل می‌شود. بنابراین در این مقام، جی‌وه یا روح فضایل تازه‌ای کسب نمی‌کند، بلکه صفات متعال ذاتی خود، مانند دانش، بصیرت، نیرو و سعادت نامتناهی را بازمی‌یابد و به بالاترین بخش «لکه» (Loka) وارد شده و در آنجا از بهجت بی‌پایان تا ابد سعادت‌مند خواهد بود و هرگز بار دیگر در گردونه زاد و مرگ گرفتار نخواهد شد. چنین فردی به کمال می‌رسد؛ لذا به جایگاه «کولین» (Kevalin) نائل می‌آید (داسکوپتا، ۱۹۲۲، ص ۱ و ۲۰۷؛ سامسوخا، ۱۹۷۵، ص ۲۹).

«کوله» (Kevala) یا نجات نهایی از چرخه وجود و تولد مجدد (سَمساره)، آرمان غایی هر فرد جینه‌ای است و مقصد و هدف نهایی زهد و سیر و سلوک به‌شمار می‌رود. از نظر جینه‌ها، رهایی روح تنها با آزادی آن از هرگونه اثر

کرمه‌ای به دست می‌آید؛ یعنی با توقف حرکت و تماس با ماده، که مانع از ایجاد هر نوع کرمه جدید می‌شود؛ و با رعایت زهد شدید، که آثار کرمه‌ای گذشته را محو می‌کند.

بالاترین ریاضت از نظر جینه‌ها، عدم فعالیت و کناره‌گیری از مشارکت در امور دنیوی است؛ زیرا هر عملی که انسان انجام دهد، کرمه ایجاد می‌کند و کرمه روح را در یک سلسله از هستی‌های بی‌پایان، که توأم با رنج و درد است، به اسارت می‌کشد. در مرتبه نجات نهایی (کوله)، روح دوباره ماهیت و مقام اصلی کمال و معرفت خود را بازمی‌یابد و کاملاً از جهل، که علت تمام آلام و مصائب است، آزاد می‌شود و به چهار کیفیت نامحدود «قدرت»، «معرفت»، «ایمان» و «آرامش نامتناهی» دست می‌یابد. بنابراین خود روح به مقام الوهیت می‌رسد.

در آیین جینه، خدایی در کار نیست تا انسان در آن فنا شود یا با آن وحدت یابد یا خود را شبیه به آن سازد. انسان در راه آزادی روح، تنهاست و هیچ موجودی نمی‌تواند به او کمک کند و «تیرنه‌نکره»ها و از جمله «مه‌اویره» نیز تنها الگوی نجات‌اند، نه وسیله نجات. انسان تنها با نیرویی که در ذات خود دارد، می‌تواند به نجات و رهایی برسد و به فطرت ذاتی خود، یعنی دانش حقیقی، آزادی و سعادت ابدی، بازگشت کند. رسیدن به این جایگاه، که به معنای نجات از سَمَساره است، تنها از آن انسان است و موجودات دیگر زمانی به نجات دست می‌یابند که در یک کالبد بشری متولد شده باشند.

### نتیجه‌گیری

چنان که ملاحظه شد، آیین جینه خدامحور نیست، اما معتقد است که انسان دارای ابعاد ازلی و ابدی است. از طرفی به جهان‌شناسی‌ای باور دارد که انسان در رأس آن به‌عنوان حی‌وَه تعالی یافته است. حی‌وَه همان روح انسان است که در بند تن گرفتار شده. این روح در حیات این جهانی خود گرفتار اعمالی است که مانع ظهور و بروز آن صفات ذاتی‌ای است که طبیعتش اقتضا می‌کند؛ صفات ذاتی‌ای چون دانش، بصیرت، قدرت و سعادت بی‌انتهای، که به سبب کرمه‌های مادی (اعمال و کردار این جهانی) به‌مرور کمرنگ می‌شوند و روح از آن پس قادر به تعالی و رهایی و رسیدن به جایگاه ابدی نخواهد بود.

اکنون این انسان وقتی اندک معرفت و آگاهی از اصل خود پیدا می‌کند، حیات او معنای دیگری می‌یابد و تصمیم می‌گیرد که خود را از بند هر آنچه او را محدود می‌کند، رها سازد؛ به‌ویژه وقتی به این اعتقاد می‌رسد که هر عملی و رفتاری انعکاسی را برای او به‌ثبت می‌رساند تا بار دیگر امکان دوباره زیستن در این جهان را فراهم آورد و رنج سَمَساره را بار دیگر تجربه کند، بیش‌ازپیش مصمم می‌شود تا خود را رها سازد؛ و این آغاز انتخاب راه و طریق سلوک عرفانی او می‌شود.

پس در این راه، ریاضت‌های سخت و سنگین را تجربه می‌کند، اما نه به این امید و اعتقاد که محبوبی پیش رویش باشد تا خود را در او فنا سازد یا اتحاد و وحدت با آن را تجربه کند یا هرچه بیشتر خود را به آن شبیه سازد، بلکه باور کرده است که به هیچ‌کس نمی‌توان تمسک جست و هیچ مرشدی یاریگر او نیست. او خود در این مسیر

تنهاست. هدف نهایی‌اش این است که دوباره به این جهان بازنگردد؛ چراکه جهان را پر از درد و رنج یافته است و آرامش معنوی‌اش را در توقف کامل اعمال دنیوی و خاموشی امیال نفسانی می‌داند و در راه رسیدن به جهان ارواح پایدار می‌باید تمام تلاش خود و سلوک لازم را به کار بندد.

به‌اعتقاد شما، آیا چنین چیزی ممکن است؟ نخستین اشکالی که سبب شده است باقی مطالب بر آن استوار شود، باور به جهان ارواح و ازلی بودن آن منهای خداست. آیین جینه چنین جهانی را پیش فرض گرفته است و تبیین درستی از چنین جهان خودپدید ارائه نمی‌دهد و برای اینکه در نظام طبقاتی هندو قرار نگیرد، باور خود را در چهارچوب منهای خدا قرار داد، اما از نگاه اسلام، تنها خداوند امر ابدی و مطلق است که منشأ هستی است و هر عملی به قصد قرب الی الله انجام می‌شود: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»؛ یعنی هدف و غایت، خداوند است؛ برخلاف آیین جینه، که هدف و غایت را جهان ارواح می‌داند.

اشتباه دیگر آیین جینه، پیش فرض تناسخ است که مجال بحث آن را نداریم، اما باور به تناسخ سبب شده است که رنج دنیا به زندگی انسان معنا نبخشد؛ حال آنکه ما با همین دردها و رنج‌ها به‌مثابه نوعی امتحان، با خداوند ارتباط بیشتری پیدا می‌کنیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع

- استیونسون، سینکلر، ۱۹۱۵، *قلب جینیزم*، لندن، دانشگاه آکسفورد.
- پانیکر، آگوستین، ۲۰۱۰، *جینیزم: تاریخ، جامعه، فلسفه و عمل*، دهلی، موتیلال بنارسیداس.
- پروتی، راج، ۲۰۰۴، *جینیزم و تمدن هند*، دهلی، دیسکاور.
- تیتزه، کورت و همکاران، ۲۰۰۱، *جینیزم: راهنمای تصویری برای دین عدم خشونت*، دهلی، موتیلال بنارسیداس.
- تیتزه، کورت، ۲۰۰۱، *جینیسیم: راهنمای تصویری برای دین عدم خشونت*، دهلی، موتیلال بنارسیداس.
- جونز، لیندسی و میرچا الیاده و چارلز آدامز، ۲۰۰۵، *دایرةالمعارف دین*، بی‌جا، تامسون.
- جین، ال سی (لاکسمی چاندرا)، ۱۹۹۲، *تائو علوم جینه*، بی‌جا، اریهنت بین‌المللی.
- جینی، جاگماندر لال، ۲۰۱۳، *طرح کلی جینیزم*، لندن، دانشگاه کمبریج.
- داسکوپتا، سورندر ناتھ، ۱۹۲۲، *تاریخ فلسفه هند*، لندن، دانشگاه کمبریج.
- دوناس، پل، ۱۹۹۲، *جین‌ها*، لندن، راتلج.
- زیمر، هاینریش، ۱۹۵۳، *فلسفه‌های هند، جوزف کمپبل*، لندن، راتلج و کیگان پل.
- سامسوخا، چاند، ۱۹۷۵، *جوهر جینیزم*، گانش لالوانی، جین بهوان.
- سنگاوه، ا. ویلاس، ۲۰۰۱، *جنبه‌های دین جینه*، دهلی نو، بهاراتیه جنانیث.
- سیدارتا، آندنو، ۲۰۰۹، *دایرةالمعارف جهانی مطالعات بین‌ادیان*، ناگالند، جانانادا.
- شوبرینگ، والتر، ۲۰۰۰، *دکترین جین‌ها، دلبیو بورن*، دهلی، موتیلال بنارسیداس.
- فولکرت، کنдал دلبیو، ۱۹۹۳، *مجموعه مقالات کتاب مقدس و جامعه درباره جین‌ها، جان ای. کورت*، آتلانتا، پژوهشگران.
- کریشن، یووراج، ۱۹۹۷، *دکترین کرمه*، دهلی، موتیلال بنارسیداس.
- کنومال، لالا، ۱۹۱۷، *مطالعه جینیزم*، آگرا، تمانند جین پوستک پراچاراک ماندال.
- گلزناب، هلموت فون، ۱۹۹۹، *جینیزم: دین رستگاری هندی*، دهلی، موتیلال بنارسیداس.
- ماهونی، ویلیام، ۱۹۸۷، "کرمَن"، در: *دایرةالمعارف دین*، ویرایش: میرچا الیاده، بی‌جا، بی‌نا.
- ناهار، پی. سی. و ک. ک. قوش، ۱۹۸۸، *دایرةالمعارف جینیزم*، دهلی، سری ساتگورو.
- وایلی، کریستی ال، ۲۰۰۹، *الف تا ص جینیزم*، چاپ اسکر کرو.
- ویلیامز، رابرت، ۱۹۹۸، *جینه یکه، نظرسنجی از شروراکا کاراس قرون وسطی*، دهلی، موتیلال بنارسیداس.
- هرمن، ال، ۲۰۰۰، *مسئله شیطان و اندیشه هندی*، دهلی، موتیلال بنارسیداس.